

جوان و مدگرایی

سیدصادق سیدنژاد

برنامه‌های خود قرار دادند، تا از این طریق، زمینه را برای سلطه سیاسی و اقتصادی خود فراهم سازند.^(۱) بدین منظور برنامه‌های زیر را به اجرا درآوردند:

۱. جلوگیری از رشد اکامی مردم: از آنجا که مهم‌ترین عامل نفوذ و موفقیت استعمارگران در طول تاریخ، چهل و ناآگاهی مردم است، در دوره جدید نیز استعمارگران با استفاده از شیوه‌های مختلف و ابزارهای پیشرفته تلاش نمودند تا از راه مشغول ساختن مردم به کارهای غیرمفید و سرگرمی‌های غفلت‌زا آنان را از توجه به مسایل اساسی و منافع اصلی خود باز دارند. برای تحقق این هدف به ساختن فیلم‌هایی با اهداف پیام خاص و همین‌طور گسترش فساد و بی‌بندوباری و اعتیاد به مواد مخدر و... روی آوردند.

۲. استحاله فرهنگ بومی: فرهنگ‌های بومی اغلب دارای عناصری پویا هستند که همواره مانع تحقق اهداف استعماری است. بر این اساس، یکی از اهداف استعمارگران تحریف در محتوا و نوع جهت‌گیری عناصر مثبت فرهنگ‌های بومی بوده است. آن‌ها از طریق بسیج همه امکانات و ابزارهای تبلیغاتی گسترده خود، می‌کوشند تا نوع بینش‌ها، باورها،

گرایش‌ها^(۲) و

د. استعمار و ترویج مدگرایی

گرچه استعمار به عنوان یکی از دستاوردهای منفی عملکرد بشر و انحراف از اصول عقلانی و فضائل اخلاقی در طول تاریخ مطرح بوده است، اما اهداف و شیوه‌های آن در دوره‌های مختلف، کم و بیش متفاوت بوده است. پس از دوره رنسانس، به ویژه مقارن با وقوع انقلاب صنعتی در جهان، زمانی که نیروی ماشینی جانشین قدرت بازوی انسان شد و در نتیجه، تولید انبوه کالاهای صنعتی جهان، وارد بازارهای داخلی بسیاری از کشورها گردید، استعمارگران درصدد برآمدند تا اولاً، بازارهای مصرف جدیدی برای محصولات خود به دست آورند و ثانیاً، کمبود مواد خام صنایع خود را از طریق دستیابی به منابع و امکانات بالقوه کشورهای دیگر جبران نمایند. در فرایند جدید، شکل جدیدی از استعمار پدید آمد که مشخصه مهم آن، تولید بیش‌تر برای مصرف بیش‌تر، با هدف تحصیل سود بیش‌تر بود.

در شرایط جدید، اهداف استعماری از طریق شیوه‌هایی چون جنگ و سلطه نظامی و تهدیدهای سیاسی

دیگر کارساز نبود، لذا

استعمارگران این‌بار،

استعمار فرهنگی

را در رأس



ترویج این امر، علاوه بر تشدید روحیه مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی، منجر به تغییر ارزش‌ها و انهدام نظام فکری نسل جوان می‌شود که سرمایه‌های اصلی هر جامعه‌ای است.

ه. چه باید کرد؟

در این زمینه، چه باید کرد؟ از چه راه‌هایی می‌توان این معضل مهم فرهنگی و اجتماعی را حل کرد و جوانان را از پیامدهای خطرناک این پدیده شوم استعماری در امان نگه داشت؟ راه‌حل‌های زیر در این زمینه ارائه شده است:

۱. دادن آگاهی به جوانان: بی‌تردید شرط اصلی موفقیت در هر کاری، برخورداری از یک سلسله آگاهی‌ها است. تا فرد به کمک آن بتواند بر ابعاد مختلف مسأله موردنظر اشراف پیدا کرده و در هر مورد، اقدامات لازم را به عمل آورد. بر این اساس، اولین و مهم‌ترین گام در امر مبارزه با مدگرایی افراطی، ارتقای سطح بینش جوانان است؛ یعنی جوان علاوه بر اطلاع از ماهیت و علل گرایش به مد اولاً، باید حدّ معقول و متعادل آن را با توجه به فرهنگ جامعه اسلامی بشناسد و ثانیاً، اهداف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی دشمن در زمینه ترویج مدگرایی را به خوبی تشخیص دهد. ثالثاً، ابزار شگردها و شیوه‌های گوناگونی را که دشمن در پیشبرد اهداف خویش از آن‌ها استفاده می‌کند مورد شناسایی قرار دهد. تنها در این صورت است که جوان نه تنها تحت تأثیر تبلیغات دشمنان قرار نمی‌گیرد بلکه روز به روز در مسیر

رشد و تعالی معنوی و ارزش‌های اجتماعی قرار گرفته و از به وجود آمدن

ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی مردم را دچار تحریف کنند. برای مثال، اگر فرهنگی مبتنی بر اصول و عناصر مثبتی همچون ظلم‌ستیزی، شجاعت، قناعت، عزّت نفس، ساده زیستی، عفت و پاکدامنی و... باشد هرگز با عناصر فرهنگی‌ای همچون تجمل‌گرایی و مدپرستی، اسراف، تبذیر، بی‌بندوباری، و فحشا و تسلیم در برابر بیگانگان و... سازگار نخواهد بود. بنابراین، استعمار با تغییر عناصر فرهنگی مثبت و جایگزینی عناصر منفی به تحذیر و استحاله فرهنگ‌های بومی همت می‌گمارد.

۳. تحمیل فرهنگ و ارزش‌های وارداتی: وقتی پایه‌های فرهنگ بومی جامعه‌ای، در اثر تبلیغات گسترده و شیطننت استعمارگران سست شد، اموری چون خودکم‌بینی، احساس حقارت و در نهایت، خودباختگی فرهنگی پدید می‌آید، اموری که در نهایت، زمینه‌ساز پذیرش سوغات و عناصر منفی فرهنگ بیگانه را فراهم می‌آورد. با پذیرش فرهنگ بیگانه، طبعاً بازار فروش کالاها و فرهنگی و مصرفی بیگانه در داخل اشباح می‌شود.

بدین‌سان، نیروی ابتکار، خلاقیت و مهم‌تر از همه هویت فرهنگی کشورها مورد هجوم قرار گرفته و دچار بحران می‌شود و اعتماد مردم به ویژه قشر جوان، نسبت به اصول فرهنگ بومی از بین می‌رود. و زمینه پذیرش فرهنگ بیگانه فراهم می‌شود و استعمار با تبلیغات گسترده خود پذیرش ارزش‌های فرهنگی بیگانه را تنها راه پیشرفت و سعادت می‌داند. در چنین شرایطی، به طور طبیعی، پای‌بندی به اصول اخلاقی و باورهای دینی جامعه، نماد انحطاط و جمود فکری، و پذیرش فرهنگ بیگانه نشانه پیشرفت تمدن تلقی می‌شود. بدین ترتیب، الگوهای فرهنگی بیگانه در جامعه به عنوان ارزش مطرح می‌شود. وقتی زمینه پیروی از الگوهای جدید در

میان قشر جوان فراهم شد، مدگرایی و تقلید از نوع پوشش و برخی هنجارهای بیگانه رواج پیدا می‌کند.





داشته باشد، تا این نیاز اصیل انسانی به صورت شایسته با توجه به مبانی اعتقادی و ارزشی او تأمین شود و زمینه هرگونه کشش به سوی الگوهای تحمیلی و در عین حال، زیان‌بار از بین برود.

بر همین اساس، اگر به سایر نیازهای زیستی، ذهنی، عاطفی، اعتقادی و فرهنگی جوان پاسخ مناسبی داده نشود جوانان به دنبال ارضای کاذب نیازهای خود رفته و الگوهای نادرست را ملاک عمل خویش قرار می‌دهند.

حاصل آن‌که، متولیان امور مربوط به جوانان و امور فرهنگی موظفند که نیازها و خواسته‌های قشر جوان را بشناسند، آن‌گاه با دقت کامل برای تأمین صحیح و به موقع نیازهای او برنامه‌ریزی نمایند. این کار هم موجبات رشد و تعالی جوان را فراهم می‌سازد و هم مؤثرترین راه نفوذ فرهنگ بیگانه را مسدود می‌کند. البته، خود جوانان نیز در این زمینه مسئولیت خطیری به عهده دارند. که نباید به بهانه کوتاهی برخی مسئولین نهادهای فرهنگی جامعه از آن سر باز زنند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این باره می‌فرمایند:

«... جوان اولاً، باید احساس مسئولیت کند؛ یعنی واقعاً خود را مسؤول بداند و بخواهد که زندگی را با پای خودش پیش ببرد و حرکت کند و مثل پُرکاهی در امواج حوادث نباشد. ثانیاً، با ایمان حرکت کند. ثالثاً، بصیرت و آگاهی داشته باشد. اگر جوانان این سه خصوصیت را خودشان تأمین کنند در همه زمینه‌ها می‌توانند موفقیت خودشان را تضمین کنند.»^(۳)

پی‌نوشت‌ها

۱. داریوش آشوری، دانش‌نامه سیاسی، ص ۲۶
۲. استاد محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ص ۱۵۷
۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۸/۷/۲۹، ش ۵۷۶۷

زمینه نفوذ فرهنگی و اعتقادی آن‌ها جلوگیری به عمل آورد.

۲. تقویت ایمان و ترویج ارزش‌های معنوی: در طول تاریخ، هیچ عاملی مهم‌تر از تقویت ایمان و باورهای اعتقادی و رشد ارزش‌های معنوی مانع پیشبرد اهداف استعماری نبوده است. از این‌رو، استعمار همواره تلاش می‌کند تا از طریق تضعیف اصول اعتقادی و ارزش‌های اجتماعی قشر جوان و بی‌اعتنا ساختن آنان به ارزش‌های معنوی زمینه اجرای اهداف موردنظر خود را فراهم سازد. در چنین شرایطی، هیچ کاری به اندازه تقویت باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و دینی و پرورش ایمان مؤثر نیست.

تقویت باورهای دینی و ارزش‌های اجتماعی و پی‌ریزی بینش صحیح در زمینه ارزش‌های دینی و رعایت آن‌ها، همچون سنگری مستحکم، مردم و به ویژه نسل جوان را در برابر هجوم همه جانبه فرهنگی دشمنان در امان نگه می‌دارد. بنابراین، مسؤولان فرهنگی و فرهیختگان جامعه موظف به واکنش کردن مردم و به ویژه جوانان در این زمینه هستند.

۳. پاسخ به نیازهای نسل جوان: قشر جوان جامعه، علاوه بر نیازهای زیستی مشترکی که با سایر اقشار جامعه دارد، از یک سلسله نیازهای روانی و عاطفی ویژه‌ای نیز برخوردار است که عدم ارضای آن، مسائل و مشکلات زیادی را برای جامعه به بار می‌آورد. از جمله پیامدهای عدم تأمین نیازهای روحی و روانی جوانان، پیدایش خلأ فکری و فرهنگی است که زمینه‌ساز نفوذ عناصر فرهنگی بیگانه و هجوم فکری و تبلیغی فرهنگ‌های بیگانه است.

به عنوان مثال، الگوتلبی یکی از ویژگی‌های مهم دوره جوانی و نوجوانی است؛ یعنی جوان در مسیر کسب کمال به طور طبیعی مایل است از طریق تأسی به منش و رفتارهای افرادی که آن‌ها را مظهر کمالات می‌داند خود را به فضایل و ارزش‌های اخلاقی آراسته سازد. روشن است که اگر جوان به الگوی مناسبی در جامعه خود، دست نیابد، به الگوها و ارزش‌هایی که بیگانگان با استفاده از ابزارهای تبلیغی به تمجید از آن‌ها می‌پردازند گرایش پیدا می‌کند. بنابراین، ضرورت دارد که در محیط زندگی جوان الگوهای مناسبی که با فرهنگ و ارزش‌های پذیرفته شده جامعه سازگاری دارند وجود

